



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

باید خود را برای رهبری انقلاب آماده کنیم!

مصاحبه با حمید تقوائی

درباره قطعنامه "حزب کمونیست کارگری و چشم انداز انقلاب در ایران" مصوب کنگره چهارم حزب



یافته لذا قطعنامه نیز نکات جدیدی را مطرح میکند.

صفحه ۲

هفتگی: این قطعنامه بر چه تزیایی مبتنی است؟ آیا نظرات و تزیای جدیدی در این قطعنامه مطرح شده؟
حمید تقوائی: از نقطه نظر تحلیل شرایط عمومی سیاسی و جنبشهای اجتماعی در ایران قطعنامه در همان چهارچوب مواضع قبلی حزب است و از این نظر حرف تازه ای در آن نیست.

کنگره چهارم یک رویداد سیاسی مهم

مصاحبه با آذر ماجدی، رئیس دفتر سیاسی حزب



حزب نیز از این نظر، این کنگره جایگاهی مهم و تعیین کننده در سرنوشت حزب دارا بود. کنگره

صفحه ۴

هفتگی: درباره جایگاه سیاسی کنگره چهارم حزب چه نظری دارید؟
آذر ماجدی: کنگره چهارم از چند نظر حائز اهمیت سیاسی است. از یک سو اوضاع سیاسی و شرایط متحول و پرتلاطم جامعه به این کنگره موقعیت ویژه ای میدهد و از سوی دیگر موقعیتی که حزب کمونیست کارگری بعنوان بزرگترین حزب اپوزیسیون در تحولات سیاسی داراست، این کنگره را به یک واقعیت مهم سیاسی بدل میکند. مساله مهم دیگر این

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax:0044-870 120 7768

۱۹۳

۱۹ دی ۱۳۸۲

۹ ژانویه ۲۰۰۴

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

این قتلگاه است یا کارخانه؟

صفحه ۶

معلمان در تدارک اعتصابی دیگر

صفحه ۶

کمک کنید
کبرا را
از اعدام
نجات دهیم!

صفحه ۳

مردم به کمک شما نیاز دارند!

نامه سرگشاده
کمیته اقدامات اضطراری
در حمایت از زلزله زدگان بم
به سازمان های غیر دولتی بین المللی

صفحه ۵



تظاهرات در کشورهای مختلف علیه حکم اعدام کبرا رحمان پور صفحه ۴

آزادی برابری حکومت کارگری!

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

از صفحه ۱ مصاحبه با حمید تقوایی

اولین عامل تازه در شرایط سیاسی ایران همانست که در عنوان قطعنامه نیز مطرح شده یعنی چشم انداز انقلاب. قطعنامه در بند اول خود با توجه به فاکتورها و مولفه های عینی و کاملاً قابل مشاهده در اوضاع سیاسی ایران اعلام میکند که انقلاب به محتمل ترین شکل سرنگونی جمهوری اسلامی تبدیل شده است. بر همین مبنا در بندهای دیگر برخورد جنبش های دیگر، جنبش ملی - مذهبی دو خرداد و جنبش ناسیونالیسم پروغرب به جنبش انقلابی و موضوعی که این نیروها با رشد انقلاب در قبال آن اتخاذ خواهند کرد بررسی شده است. قطعنامه اعلام میکند که جنبش ملی اسلامی با رشد جنبش انقلابی به پایان حیات سیاسی خود میرسد، و نیروهای اپوزیسیون راست نیز علناً در مقابل انقلاب قرار خواهند گرفت. قطعنامه میگوید تقسیم بندی نیروها به سرنگونی طلب و "اصلاح طلب" و یا عبارات درست تر طرفداران استحاله، جای خود را به دو اردوی انقلاب و ضد انقلاب خواهد داد، و این عامل تعیین کننده مرز بین چپ و راست در جامعه خواهد بود.

تزی دیگر طرح شده در قطعنامه اینست که با گسترش جنبش سرنگونی و نزدیک شدن به انقلاب، صرف سرنگونی طلبی موقعیت سیاسی جنبشها و احزاب را در صحنه سیاسی ایران توضیح نمیدهد، بلکه معیار و شاخص، موضع آنان در قبال جنبش انقلابی مردم و انقلابی است که در ایران در حال شکل گرفتن است. این به نظر من تر مهمی است که مستقیماً تبلیغات و موضعگیریهای حزب ما در قبال نیروهای دیگر را تحت تاثیر قرار خواهد داد. نتیجه گیری قطعنامه تاکید بر نقشی است که حزب بعنوان رهبر و سازماندهنده انقلاب در این دوره باید ایفا کند. این نتیجه گیری نیز بر نقش عملی که تا همینجا حزب ما در پیشرویهای جنبش سرنگونی و شکل دادن به جنبش انقلابی علیه جمهوری اسلامی داشته است مبتنی است.

هفتگی: هم در قطعنامه و هم در

معرفی آن، ضمن تاکید به صف بندی نیروهای انقلاب و ضد انقلاب، به رهبری انقلاب توسط حزب تاکید میشود، منظور از رهبری انقلاب چیست؟

حمید تقوایی: رهبری انقلاب را میتوان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد. يك جنبه رهبری انقلاب در رابطه مستقیم با مردم و مبارزات آنان است. منظور من صرفاً رهبری عملی آکسیونها و تظاهرات و اعتصابها نیست. این تنها يك سطح مشخص و نهائی رهبری و آنهم به يك معنای محلی و محدود تاکتیکی است. تلقی ساده نگرانه و رایجی وجود دارد که تمام امر رهبری را به همین سطح محدود آکسیونی تنزل میدهد. قطعنامه در این سطح اصولاً وارد بحث نشده است و اساساً نمیتوانست و نمیتوانست که در مورد رهبری در این سطح صحبت میکرد. رهبری مبارزات عملی امری تاکتیکی است که بسته به موازنه قوا در هر شرایط مشخصی باید جداگانه مورد بررسی قرار بگیرد و از آن بسته به موازنه قوا در هر مقطع نتیجه گیری مشخص عملی بشود.

این جنبه از رهبری در يك سطح عمومی تری در بند دوازدهم مطرح شده است. محور و اساس این بند سازماندهی کارگران و توده مردم است. انقلاب یعنی اعمال قدرت مردم و اساس این قدرت نیز اتحاد و تشکل است. قطعنامه بر ضرورت متشکل کردن و متشکل نگاهداشتن مردم در شرایط پر تحول کنونی تاکید میکند و تشکیل مجامع عمومی و شوراها را هر جا توازن قوا اجازه دهد در دستور کار حزب قرار میدهد. البته مبارزه برای تشکیل مجامع عمومی و شوراها يك سیاست همیشگی ما و یکی از وجوه مشخصه کمونیسم کارگری است، اما امروز با در چشم انداز قرار گرفتن انقلاب باید به نحو ویژه و با تاکید و انرژی بیشتری به این وظیفه پرداخت. گسترش سازمان حزبی نیز وجه دیگری از این سازماندهی است. امروز نفوذ و مقبولیت حزب در میان توده مردم گسترش پیدا کرده است، و حزب در سطح نسبتاً وسیعی شناخته شده و محبوب است، باید این نفوذ و محبوبیت

توده ای به سازمان و تشکیلات حزبی ترجمه شود. فعالین و پیشروان و رهبران عملی جنبش کارگری، جنبش دانشجویی، و جنبش زنان باید به حزب بپیوندند و فعالیتهای مبارزاتی خود را سازمان یافته و متحد به پیش ببرند. وظیفه ما در این مقطع گسترش دادن سازمان حزبی و متناسب کردن آن با نفوذ و محبوبیت توده ای حزب است. این امریست که در این دوره در دستور کار فوری ما قرار دارد. علاوه بر سازماندهی، قطعنامه به تاکتیکیها و روشهای مبارزاتی نظیر بدست گرفتن کنترل محلات هر جا که توازن قوا اجازه بدهد اشاره میکند. این رهنمود مشخصی بود که در دوره اوجگیری مبارزات در چند هفته ۲۰ خرداد و ۱۸ تیر حزب ما مطرح کرد و يك راه عملی و قابل اتخاذ برای مقابله با نیروهای جمهوری اسلامی است.

اینها تنها رئوس کار را مشخص میکند. قطعنامه تدقیق این رهنمودها و بسط آن تا سطح نقشه عملهای مشخص در عرصه های مختلف مبارزه را بعهدہ کمیته مرکزی و کمیته های ذیربط قرار داده است.

اما جنبه دیگری از رهبری هم در قطعنامه بررسی شده است. رهبری به معنای استراتژیک تر تبدیل شدن به نماینده و صدای جنبش انقلابی مردم در قبال احزاب و جنبشها و نیروهای طبقاتی دیگر. بحث در مورد رهبری در این سطح در واقع بحث محوری و اصلی قطعنامه است و بندهای بیشتری را به خود اختصاص داده است. مبنای بحث آنست که با نزدیک شدن به انقلاب احزاب و جنبشهای طبقاتی دیگر و همچنین دول غربی بیشتر و بیشتر بعنوان مانع و سد راه جنبش انقلابی مردم ظاهر خواهند شد. اساس کار آنها پائین آوردن سطح توقعات و انتظارات مردم، ترساندن آنها از انقلاب و رودر رویی با جمهوری اسلامی، آرام کردن و دلخوش و متوهم نگاهداشتن مردم به تحولات از بالا، و بالاخره در هر قدم بصدا در آوردن سوت پایان مبارزه و پیروزی و بخانه فرستادن مردم خواهد بود. تا همینجا ما نمونه هایی از این نوع تمهیدات را در سیاست های نیروهای جنبش ملی اسلامی و اپوزیسیون راست و دولتهای غربی شاهد بوده ایم و با آن مقابله کرده ایم. مقابله پیگیر و

موفق ما با دو خرداد، کنفرانس برلین، افشا پروژه شیرین عبادی و تظاهرات اعتراضی در اسلو، افشای رفتارندوم و نافرمانی مدنی، معانعت و خنثی کردن سیاست کسب وجهه جمهوری اسلامی در نزد دولتها و افکار عمومی غرب، حضور کادرها و اعضای رهبری حزب در شهرهای کردستان و شکستن عملی اختناق و حاکمیت رژیم بر کردستان، و اساساً کمپین و مبارزه بیوقفه ما علیه مذهب و ناسیونالیسم و آپارتاید جنسی، اینها همه اجزا مختلف نمایندگی کردن جنبش انقلابی مردم و مقابله با رژیم و احزاب و نیروهای دیگر بعنوان سخنگو و پرچمدار این جنبش بوده است.

بیشک با رشد مبارزات انقلابی مردم مانع تراشی های احزاب و نیروهای سیاسی طبقات دیگر بر سر راه مردم تشدید خواهد شد. يك وظیفه اساسی حزب ما تلاش بیشتر و پیگیرانه تر برای خنثی کردن این تمهیدات است. این جنبه استراتژیک تر، طبقاتی تر و تعیین کننده تر رهبری انقلاب است. این رهبری انقلاب نه به معنای بر خورد و اتخاذ موضع در قبال آکسیونهای اعتراضی توده مردم، یعنی عملکردن بعنوان فرمانده عملیاتی در روزهای نهائی تعیین تکلیف با رژیم، بلکه بعنوان نماینده و پیشرو و پرچمدار جنبش انقلابی مردم به منظور هموار کردن راه پیشروی این جنبش، شکل دادن و رادیکالیزه کردن و تقویت آن، هویت بخشیدن به آن و نمایندگی کردن آن است. این رهبری برای رساندن انقلاب به مرحله اعتصابات و تظاهرات توده ای در روزهای نهائی است. بدون ایفای نقش در این سطح، قرار گرفتن در جایگاه فرمانده آکسیونهای توده ای نیز ممکن نخواهد بود. هدف اصلی این قطعنامه آماده ساختن حزب برای ایفای چنین نقشی است.

هفتگی: يك بند دیگر قطعنامه به کور شدن افق کودتا و بند و بست از بالای سر مردم توسط جریانان راست ضد انقلاب اشاره میکند. اما جریان راست برای جلوگیری از انقلاب و بقدرت رسیدن چپ نه دست از سر مردم برمیدارد و نه امکان بقدرت رسیدن باتکای مردم را دارد، در اینصورت چگونه با انقلاب مقابله میکند، حزب و جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم چه سنگری در مقابل راست باید بیند؟

حمید تقوایی: اپوزیسیون راست برای بقدرت رسیدن سناریوی خودش را دارد. کودتا، بند و بست با بخشی از دولت و یا نیروهای نظامی رژیم، دستیابی بقدرت سیاسی در پناه سیاستهای میلیتاریستی، تهدیدات نظامی و یا دخالت نظامی غرب، اشکال مختلف سناریو مطلوب اپوزیسیون راست است. وجه مشترک این سناریوها دست بدست شدن قدرت با کمترین حد دخالت مردم است. اپوزیسیون راست تنها تا آنجا و تا حدی خواهان دخالت مردم است که بتواند از نیروی آنان برای بند و بست و تحویل و تحول قدرت از بالای سر مردم استفاده کند. مردم در استراتژی راست حد اکثر نقشی ابزاری دارند و بهمین دلیل باید کاملاً کنترل شوند و از "زیاده رویها"، از دست بردن به مبارزه قهر آمیز و نافرمانی غیر مدنی" باز داشته شوند. واضح است که این استراتژی با پیشروی و رادیکال شدن جنبش مردم رنگ میبازد و شانس خود را از دست میدهد. اما البته این امر به معنای آن نیست که اپوزیسیون راست کنار میکشد و نظاره گر حوادث میشود. رشد انقلاب راست را اساساً برای مهار و محدود ساختن و به تحریف کشاندن آن به تکاپو وامیدارد. افزودن قدری پوپولیسم و سکولاریسم به تعامیت ارضی و پرچم سه رنگ، پس راندن هر چه بیشتر اعلیحضرت به پستوی "سلطنت کند نه حکومت" و بالا گرفتن جمهوریخواهی در میان اپوزیسیون راست، و بالاخره فراخواندن آمریکا برای جلوگیری از خطر چپ و تجزیه ایران، و نظایر آن از جمله تمهیداتی است که باید از اپوزیسیون راست انتظار داشت. می پرسید باید چطور مقابله کرد؟ قبل از هر چیز با افشای پیگیر سیاستهای راست، با هویت دادن به انقلاب و نمایندگی کردن آن و تقابل با سیاستهای راست به نمایندگی از انقلاب، با تقویت چپ در جامعه و بمیدان کشیدن طبقه کارگر با پرچم خواستهای سوسیالیستیش و پلاتفرم و بیانیه ضد مذهبی و ضد ناسیونالیستیش، با بالا بردن انتظارات و توقعات مردم و تعمیق نقد و اعتراض و "ته" آنان به جمهوری اسلامی، و در يك کلام با به پیش راندن جنبش انقلابی مردم و رادیکالیزه کردن و تقویت و گسترش

کمک کنید

کبرا را از اعدام نجات دهیم!

گفته کبرا در نزاعی که بین او و مادر شوهرش پیش می آید مورد حمله با کارد آشپزخانه قرار میگیرد و در کشاکشی که پیش می آید متأسفانه مادر شوهرش به قتل میرسد. اکنون حکومت اسلامی او را به مرگ طبق قانون قصاص او را محکوم کرده است. او را باید از اعدام نجات داد. او یکی از قربانیان این جامعه است و زندگی نامه او کیفر خواست محکم و کوبنده ای علیه این حکومت و این نظام ناعادلانه است. قضات و آخوندها و خلفای حکومت اسلامی نه فقط صلاحیت قضات در مورد اتهام کبرا و هیچکس دیگر را ندارند بلکه خود باید بر صندلی اتهام بنشینند و پاسخگوی جنایات خود و پایمال کردن هر روزه حقوق انسانها در جامعه باشند. اینکه دقیقاً در این رویداد چه پیش آمده است باید در دادگاهی علنی و عادلانه و در شرایطی که سایه قوانین شرع و قصاص و حکم اعدام از بالای سر جامعه برداشته شده است روشن گردد. نه کبرا و نه هیچکس دیگری نباید اعدام شود. حزب کمونیست کارگری ایران همه سازمانهای انسان دوست و همه مردم شریف را به دخالت فعالانه و فوری برای نجات کبرا رحمان پور از اعدام فرا میخواند. حکومت اسلامی را باید در سطح بین المللی نیز بیش از این زیر فشار اعتراضات قرار داد. با نامه های اعتراضی، تظاهرات در برابر سفارتخانه های رژیم، کمپین های بین المللی و هر طریق ممکن دیگر باید تلاش کرد زندگی این زن جوان را از نابودی نجات داد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۴ ژانویه ۲۰۰۴ - ۱۴ دیماه ۱۳۸۲

منصور حکمت بطور تفصیلی تری در سخنرانی درخشان، "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود" باز کرده و توضیح داده است و من بیش از این وارد این مبحث نمیشوم.

هفتگی: برای پیروزی انقلاب و برقراری جمهوری سوسیالیستی مولفه های اساسی کدامند، مهمترین کارهایی که حزب برای تحقق این هدف باید امروز در دستور کارش بگذارد چه هستند؟

حمید تقوائی: مهمترین مولفه تحقق این امر حضور و تشبیت موقعیت حزب در جامعه بعنوان یک حزب مدعی قدرت سیاسی و آماده توانا برای تصرف قدرت و حفظ آنست. برای رسیدن به این هدف قبل از هر چیز حزب باید به سخنگو و مدافع و نماینده جنبش انقلابی مردم در مقابل رژیم و در قبال احزاب و نیروهای دیگر تبدیل شود. این روندی است که همانطور که در پاسخ به سؤال قبل توضیح دادم آغاز شده است و باید با تمام قوا کوشید که در ابعاد وسیعتری و با عمق و شتاب بیشتری به پیش برود. مولفه دیگر حضور قدرتمند طبقه کارگر در عرصه مبارزه سیاسی است. حزب، طبقه و انقلاب اجزا به هم تنیده روند سیاسی - اجتماعی واحدی هستند که در نهایت میتوانند و باید به تصرف قدرت سیاسی بوسیله حزب و برقراری جمهوری سوسیالیستی منجر شود. این واقعیت در قبال طبقه کارگر و جنبش کارگری وظایف ویژه و همه جانبه ای را در برابر حزب قرار میدهد که در قطعنامه جداگانه ای تحت نام طبقه کارگر و قدرت سیاسی رتوس این بحث و چهارچوب وظایف حزب در این رابطه توضیح داده شده است. مبنای این قطعنامه در کنگره تصویب شد و تصویب نهائی آن به کمیته مرکزی سپرده شد. امیدوارم بعد از انتشار این سند، فرصت آنرا داشته باشم که در مورد نقش طبقه کارگر در انقلاب و وظایف حزب در این رابطه بیشتر بحث کنیم. *

عبادی تنها شروع پروسه تعیین تدریجی رژیم از جانب دول غربی بود و باید منتظر پروژه های بیشتری از این نوع باشیم. غرب نیز مانند ایوزیسیون راست امیدوار است که گسترش مبارزات مردم و فشار آن به رژیم راه را برای نرم شدن جمهوری اسلامی در مقابل انتظارات دول غربی هموار کند. نکته دیگری که باید در اینجا توجه داشت اینست که با رشد مبارزات انقلابی مردم، آلترناتیو حمله نظامی و رژیم چنچ هر چه بیشتر به وضعیت سیاسی در ایران نامربوط میشود و از لیست آلترناتیوهای غرب کنار گذاشته میشود. مبارزات مردم تا همین جا این تاثیر را داشته است و با رشد بیشتر این مبارزات آلترناتیو حمله نظامی کاملاً از محاسبات غرب کنار گذاشته خواهد شد.

اما این امکان کاملاً وجود دارد که با رشد انقلاب و به درجه ای که بقای جمهوری اسلامی دیگر ممکن نباشد، غرب به آلترناتیو کودتا متمایل شود و بخواهد با این نحو ابتکار و کنترل اوضاع بعد از جمهوری اسلامی را در دست بگیرد. این البته يك احتمال است که وقوع و عدم وقوع آن به فاکتورهای زیادی که از هم اکنون قابل پیش بینی نیست بستگی دارد. اما يك چیز مسلم است. انقلابی که در ایران شکل میگیرد نه تنها يك انقلاب ضد آمریکائی نیست بلکه بر علیه رژیمی است که ضدیت با آمریکا يك وجه مشخصه آن بوده است. این از یکسو شرایط را برای يك انقلاب روشن و شفاف بر علیه سرمایه و شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ضد انسانی که حکومت مذهبی سرمایه در ایران بر قرار کرده است، آماده میکند و از سوی دیگر اگر چه جامعه و مشخصاً حزب ما درست و آگاهانه عمل کند، میتواند افکار عمومی و جنبش کارگری و جنبشهای مترقی در کشورهای غربی را با خود داشته باشد و به این ترتیب از دشمنی هیستریک دولت این کشورها با انقلاب آتی ایران جلوگیری کند. این نکته ایست که

→ آن. به چه سوق دادن و رادیکالیزه کردن جنبش انقلابی مردم خود بهترین ضامن جaro کردن راست و مانع تراشیهایی او از برابر مردم است، و این تماماً بمعهد حزب ماست.

هفتگی: درباره دولتهای غربی نیز قطعنامه به دنبال کردن سیاست پراگماتیستی آنها نسبت به حکومت اسلامی و در عین حال ممانعت این دولتها از گسترش مبارزه انقلابی مردم و تلاش برای حفظ نظام سرمایه داری در ایران تاکید میکند. اگر با پیشروی جنبش انقلابی تلاش غرب برای استحاله رژیم به شکست میانجامد آنگاه غرب برای حفظ نظام سرمایه داری به چه ترفندهایی میتواند متوسل شود، حزب کمونیست کارگری در مقابل آن باید چکار کند؟

حمید تقوائی: به نظر من دولتهای غربی تا زمانیکه کاملاً معلوم شود که ادامه عمر رژیم دیگر ممکن نیست در برابر آن قرار نخواهند گرفت. پراگماتیسم دول غربی همیشه این را ایجاب کرده است که در برابر هر نوع تغییری که خارج از اراده آنها شکل میگیرد، خواستار حفظ وضع موجود باشند. به همین دلیل تا زمانی که "خطر انقلاب" بالفعل نشده، خواهان فرم در رژیم اسلامی و تبدیل آن با يك رژیم رام تر و خوانا تر با سیاستهایشان در خاورمیانه اند و این را هم البته نه با تکانهای شدید سیاسی و اجتماعی که میتواند در پیچه ای برای عروج انقلاب باز کند، بلکه به شیوه تدریجی و گام بگام دنبال میکنند. مساله آنها سیاست داخلی جمهوری اسلامی نیست، سیاستهای خارجی و بخصوص منطقه ای آنست و این را هم امیدوارند با نوعی استحاله رژیم به يك رژیم نه اگر همراه و متحد بلکه خنثی و بیطرف در برابر آمریکا، حل کنند. رشد انقلاب دول غربی را در پیشبرد این سیاست پیگیر تر خواهد کرد. پروژه شیرین

رادیو انترناسیونال

۴۱ متر ردیف ۷۴۹۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

از صفحه ۱

مصاحبه با آذر ماجدی

باید به مسائل بسیاری پاسخ میداد و تردیدهای بسیاری را برطرف میکرد.

ایران يك دوره پرتلاطم و متحولی را از سر میگذراند. بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که جمهوری اسلامی را در خود گرفته است بطور روزمره تعمیق میشود. جنبش اعتراضی مردم صریحا در مقابل جمهوری اسلامی قد علم کرده است. و این واقعیت جامعه را در آستانه يك انقلاب قرار داده است. نقش حزب کمونیست کارگری در این شرایط بسیار تعیین کننده و خطیر است. حزب باید خود را برای بدست گرفتن رهبری این انقلاب آماده سازد و هشیار در صحنه سیاسی جامعه حضور داشته باشد. سرنوشت جامعه دارد تعیین میشود و حزب در شکل دادن به آینده نقشی مهم و حیاتی دارد. حزب باید برای نقش بازی کردن در این لحظات حساس آماده باشد. مبارزه برای سرنوشتی جمهوری اسلامی و تحقق آرمانهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم، برای ساختن سوسیالیسم بر ویرانه های جمهوری اسلامی سرمایه، این جوهر فعالیت و مبارزه روزمره ماست. و ما اکنون به این لحظه تاریخی بسیار نزدیک شده ایم. کنگره باید این آمادگی را به خود و جامعه اعلام میکرد. باید رهسوار کار آتی خود را برای این شرایط خطیر تعیین و اعلام میکرد. کنگره به این وظیفه مهم نائل آمد. اسناد مصوبه، بویژه دو قطعنامه "حزب کمونیست کارگری و چشم انداز انقلاب" و "طبقه کارگر و قدرت سیاسی" دو سند مهم در این راستا هستند که علاوه بر تعیین رهسوار فعالیت حزب پیامی روشن در رابطه با نقش حزب و آمادگی حزب برای ایفای این نقش به مردم میدهند. سه سند مصوب دیگر، "بیانیه حقوق جهانشمول انسان"، "بیانیه مذهب زدایی از جامعه" و "بیانیه حقوق زنان" نیز از نظر سیاسی بسیار حائز اهمیت اند و به حزب امکان میدهند که جامعه را حول این اسناد بسیج و قطبی کند. در شرایط سیاسی کنونی نقش این

اسناد بسیار مهم است و تمایزات کمونیسم کارگری را با دیگر نیروهای اپوزیسیون روشن میکند و به مردم امکان میدهد که بر مبنای این تمایزات انتخاب کنند. کنگره چهارم از این رو که مکان تجمع و تصمیم گیری يك حزب بزرگ و قوی، در واقع بزرگ ترین حزب اپوزیسیون، بود خود يك رویداد سیاسی مهم جامعه است. صدها کادر استخوان خورده و باتجربه انقلابی دور هم گرد آمده بودند تا آمادگی خود را برای شرکت در این جدال سرنوشت ساز یکبار دیگر اعلام کنند و سیاست و رهسوار فعالیت حزب را برای این دوره تعیین سازند. شور و حرارت و هیجانی که بر فضای کنگره و مباحث حاکم بود همه بر این واقعیت دلالت داشت که کادرهای این حزب آماده اند تا به بهترین وجه این نقش را ایفا کنند. بعلاوه علنی بودن کنگره و پخش آن از طریق اینترنت و این واقعیت بی نظیر که هزاران نفر شاهد این رویداد مهم بودند، همگی به اهمیت و جایگاه کنگره نقش ویژه ای میدهد. بنظر من خود این کنگره در دروند تغییر و تحول اوضاع سیاسی موثر بود. مشاهده این کنگره راه انتخاب حزب را برای مردم هموار کرد. اولین کنگره بعد از منصور حکمت، عبارتی است که پیش از کنگره، در طول کنگره و پس از آن بارها و بارها به گوش میخورد. این بیانگر بیم و هراسی بود که بر اذهان کلیه دوستداران حزب و کادرهای حزب سنگینی میکرد. حزب طی این یکسال و نیمه که از این واقعیت تلخ میگذرد بارها نشان داد که مستحکم بر سر پا ایستاده است و همچنان ثابت قدم در راس مبارزات مردم برای آزادی و برابری قرار دارد، ولی این کنگره توانست بر این واقعیت مهر تثبیت بکوبد و انسجام حزب را بمراتب افزایش دهد. کنگره با مصوباتش، با مباحثش و با فضایی که بر آن حاکم بود نشان داد که در سنت منصور حکمت قدم برمیدارد و پرچی که او برافراشته است در اهتزاز نگاه خواهد داشت.

هفتگی: برگزاری کنگره چهارم با این اتحاد و تفاهم سیاسی خیلی بالا و در غیاب منصور حکمت برای خیلیها قابل انتظار نبود، این محصول چه بود و نتایج آن چه میتواند باشد؟

آذر ماجدی: حزب کمونیست کارگری بر مبنای اصول و سنت های روشن انقلابی و کمونیستی که منصور حکمت تبیین و تدوین کرده بنیان گذاشته شده است. این حزب در متن جدال های مهم و اساسی میان جنبش ها و گرایش های مختلف سیاسی و طبقاتی بوجود آمد. کاردهای این حزب در متن این جدال ها آبدیده شده اند و در سنت منصور حکمت رشد کرده اند. بنظر من واقعیتی که شما به آن اشاره میکنید بیش از هر چیز مدیون این کادرها در تمام سطوح حزب است. این کادرها هستند که انسجام و وحدت حزب را تضمین میکنند. برای همه ما نقش با ارزش کادرهای حزب در این کنگره صد چندان عیان شد. و این باعث افتخار است. بعلاوه این حزب بريك گنجینه قوی و مهم از اصول و اسناد کمونیسم کارگری متکی است. سیاست های روشن، برنامه کمونیستی مدون، تاکتیک ها و استراتژی قدرت گیری کمونیسم، اینها همه میراث منصور حکمت است که به جنبش و حزب ما قدرتی بی نظیر میدهد و وحدت و انسجام این حزب را تامین میکند. پس از این کنگره و با درک هر چه بیشتر نقاط قوت حزب و تجربه این فضا حزب هر چه مستحکم تر در جهت اهداف پایه ایش و در جهت پیروزی انقلاب آتی و کمونیسم قدم برخواهد داشت.

هفتگی: بدنبال برگزاری کنگره، سبیلی از نامه های دوستداران حزب از ایران که کنگره را بطور زنده تعقیب کرده بودند به حزب رسید، بنظر شما پس از این کنگره موقعیت حزب کمونیست کارگری در جامعه چگونه است؟

آذر ماجدی: در يك کلام باید بگویم بسیار قوی تر. همانطور که اشاره کردم خود این کنگره يك رویداد

تظاهرات

در کشورهای مختلف

حکم اعدام کبرا رحمانپور باید فوراً لغو شود!

کبرا رحمان پور زن جوانی است که به حکم قانون قصاص اسلامی به اعدام با دار محکوم شده است. حاکمان اسلامی زیر فشار افکار عمومی در ایران و در سطح بین المللی اعدام او را موقتا به تاخیر انداخته اند. اما کبرا همچنان زیر تهدید اعدام قرار دارد. با محکوم کردن توحش اسلامی حاکم در ایران خواهان لغو کامل و قطعی حکم اعدام کبرا شوید! کبرا و هیچکس دیگری نباید اعدام شود. قضات و خلفای حکومت اسلامی باید در داگاههای مردم پاسخگوی جنایات خود علیه مردم ایران باشند. ما همه مردم شریف را به شرکت در تظاهراتی که در کشورهای مختلف اروپا با خواست لغو کامل حکم اعدام کبرا رحمانپور برپا میشود فرا میخوانیم:

فرانکفورت - آلمان

مقابل کنسولگری حکومت اسلامی شنبه ۱۰ ژانویه

گوتنبرگ - سوئد

مرکز شهر روز جمعه ۹ ژانویه

بروکسل

مقابل ساختمان اتحادیه اروپا روز جمعه ۹ ژانویه

اسلو - نروژ

مرکز شهر روز جمعه ۹ ژانویه

کپنهاگ - دانمارک

مرکز شهر جمعه ۹ ژانویه

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

برای اطلاعات بیشتر با این شماره تلفن تماس بگیرید :

۰۰۴۹-۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

سیاسی مهم در جامعه است. قدرت و انسجام و آمادگی حزب برای کسب قدرت سیاسی و قرار گرفتن در رأس انقلاب و به پیروزی رساندن این انقلاب و تحقق آرمانهای دیرینه مردم، آزادی و برابری با روشنی بیشتری برای مردم عیان شد. علنی بودن کنگره بخصوص ثابت قدمی، صداقت انقلابی، و شفافیت سیاسی - تشکیلاتی حزب را به مردم نشان داد. این در تاریخ ایران سابقه نداشته

است. وجود يك حزب قوی با سنت ها و برنامه و سیاست هایی این چنان روشن و انقلابی و سازش ناپذیر، و علنی بودن فعل و انفعالات سیاسی حزب همگی پدیده هایی نوین در تاریخ جامعه است. این مولفه ها تمایز کمونیسم کارگری را با سایر جریان های سیاسی برجسته میکند و انتخاب سیاسی را برای مردم آسانتر و هموار میکند. *

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مردم به کمک شما نیاز دارند!

نامه سرگشاده کمیته اقدامات اضطراری

در حمایت از زلزله زدگان بم به سازمان های غیر دولتی بین المللی



* زنان و کودکان دزدیده و فروخته می شوند.
* ساکنین برخی از روستاهای اطراف بم که مستقیماً در معرض زلزله قرار نداشته اند اما مایحتاج خود را از شهر بم تهیه می کردند اکنون به کمک فوری نیاز دارند اما هیچ کمکی دریافت نمی کنند.

"کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان بم" وضعیت را بدقت تعقیب و بررسی می کند، و در این باره آخرین اطلاعات را در اختیار شما خواهد گذارد.

در انتظار پاسخ بلافاصله شما هستیم.

ارادتمند،

مریم نمازی

هماهنگ کننده - کمیته اقدامات اضطراری
در حمایت از زلزله زدگان بم
۶ ژانویه ۲۰۰۴

بر فراهم آوردن اسباب حصول اطمینان از رسیدن کمک بدست بازماندگان زلزله بم، تهیه و عرضه آخرین اطلاعات درباره چگونگی پیشرفت امور امداد و بازسازی به عموم، و نیز حساسی از کلیه وجوه اهدایی از جانب دولت ها، سازمان ها و مردم را از دیگر وظایف خطیر خود می داند. علاوه بر اینها، "کمیته اقدامات اضطراری" خواستار انجام تحقیق در صحت و سقم گزارشات زیر (واصله از منابع مختلف در بم و روزنامه های ایران) و همچنین در زمینه اقدامات انجام شده یا نشده برای جلوگیری از اینگونه سوء رفتارها است:

* خودداری پاسداران و بسیجیان برای بیرون کشیدن یا کمک به زنانی که حجاب نداشتند.

* گزارشات مبنی بر اینکه از بازماندگان در برخی موارد برای کمک های پزشکی، و از قربانیان برای کفن و دفن، پول گرفته شده است.

ممانعت از امداد رسانی مستقل توسط مردمی که می خواستند دولت را دور بزنند، به فروش رساندن کمک های اهدایی در بازار سیاه، و غیره و غیره، همه باعث شد تا بر وخامت اوضاع افزوده شود و وقت و جان های بسیاری از دست برود. اگر ماهیت برخورد بی اعتنا و غیر مسئولانه رژیم پیش از وقوع زلزله در بم بر امدادگران ناشناخته بود، امروز، پس از کسب یک تجربه مستقیم، روشن و شفاف است. فاجعه آمیز تر اینکه کمیته ما گزارشات متعددی درباره مردم و بویژه کودکانی دریافت کرده است که بر اثر سرما و بدلیل نرسیدن بموقع کمک جان خود را از دست دادند؛ و بسیاری همچنان، ده روز پس از واقعه، در انتظار دریافت چادر، غذا و امثال آن بسر می برند. و باز آنچه وضع را بدتر کرده اینک به خانواده های تحت سرپرستی زنان در بسیاری موارد کمک نشده است، مراجع دولتی امدادگران و پزشکان بین المللی بسیاری را از منطقه اخراج کرده اند، و حتی به بازرسی هویت کسانی می پردازند که قصد ورود به بم دارند، تا به این وسیله موانع بیشتری در راه کمک رسانی فراهم کنند و از نشت اطلاعات در زمینه اهمال دولت جلوگیری نمایند.

"کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان بم" تکرار و تاکید می کند که امر امداد رسانی باید تحت نظر و کنترل "دفتر هماهنگی امور انسانی سازمان ملل" و در ارتباط و هماهنگی با سازمان های معتبر بین المللی و نهاد های معتبری مانند یونسف، "سازمان بهداشت جهانی"، "پزشکان بدون مرز"، سازمان های غیر دولتی محلی، و عموم مردمی که دل نگران این اوضاع هستند به پیش برده شود. "کمیته اضطراری" علاوه

ضوابط صحیحی در زمینه ساختمان سازی ندارد؛ و نیز به پژوهشهای متعدد زلزله نگاری که متعاقب زلزله شمال غربی ایران در سال ۱۹۹۰ به انجام رسیده، و توصیه های بعمل آمده در این پژوهش ها، بی اعتنائی کرده است. روشن است که از دست رفتن جان پنجاه هزار نفر در یک کشور غنی نفت خیز معلول علل طبیعی نیست. دولت ایران علاوه بر قصور قابل مجازات در قبل از وقوع زلزله در بم، در زمان وقوع این واقعه نیز با اقدامات ناکافی، دیر هنگام و آشفته و از هم گسیخته خود بر وخامت اوضاع افزوده است. مقامات این دولت اگر بموقع و مسئولانه دست به اقدام زده بودند، چنانچه از هر دولتی در چنین اوضاعی انتظار می رود، اکنون جان بسیاری انسانها حفظ شده بود. بم لکه دیگری بر کارنامه ضعف های این حکومت و عدم تمایل آن به اقدام از جانب مردم است. بعنوان مثال، مقامات دولتی اخبار زلزله را نه ساعت پس از وقوع علنی کردند و ده ساعت پس از وقوع برای رسیدگی به این فاجعه تشکیل جلسه دادند. و این در حالی بود که مردم فی الحال بطور خودجوش اقدام به سازماندهی برای حداکثر امداد رسانی کرده بودند. آقایان خاتمی و خامنه ای چهار روز بعد از منطقه زلزله زده بازدید کردند، آنهم تنها برای توجیه اهمال هایشان. علاوه بر اینها، اعلام عجولانه و پیش از وقت خاتمه عملیات جستجو و نجات، برخورد غیر مسئولانه با تیم های بین المللی نجات (شامل به تاخیر انداختن دسترسی آنها به منطقه، تاخیر در تدارک مترجم برای پرسنل این تیم ها، و در برخی موارد بدرفتاری با این افراد)، تاخیر های چندین ساعته و حتی چندین روزه در تخلیه کامیون های حامل کمک،

همکاران عزیز،

این نامه را از طرف "کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان بم" می نویسم تا توجه شما را به نگرانی های جدی ای که ما در رابطه با نحوه مصرف کمک های ارسالی برای زلزله زدگان داریم جلب کنم.

کمیته ما از همان روز تاسیس، مردم شریف ایران و سایر کشور های جهان را فراخوانده است تا همه کمک های جنسی و نقدی خود را به سازمان های شناخته شده و معتبر تحویل دهند. ما همواره بر این واقعیت تاکید کرده ایم که هیچیک از کمک ها نباید بدست جمهوری اسلامی ایران یا سازمان های "مستقل" دولتی سپرده شود. ما این فراخوان را از طریق رسانه ها منجمله از طریق مصاحبه زنده ای که هماهنگ کننده کمیته اقدامات اضطراری در حمایت از زلزله زدگان بم با "بی بی سی نیوز ۲۴" در روز ۲ ژانویه ۲۰۰۴ انجام داد، در ایران، اروپا و آمریکای شمالی پیوسته انجام داده ایم. دلیل ما برای این فراخوان روشن است. سازمان های انسان دوست مستقل و معتبر بین المللی بهتر می توانند و بیشتر مشتاقند به مردم بم کمک کنند. جمهوری اسلامی برعکس مورد بی اعتمادی اکثریت مردم است که به همین دلیل نمی خواهند این دولت در راس فعالیت های امداد رسانی و بازسازی قرار داشته باشد. این حکومت در چشم مردم بحق مسئول این فاجعه عظیم انسانی است. به بسیاری دلایل، و بویژه اینکه در امر ایجاد مسکن مناسب در طول بیست و پنج سال حاکمیتش قصور کرده است، مردم را به فقر و فاقه کشانده است؛ به جان و امنیت جانی انسان بی اعتناست؛ روشهای نازل ساختمان سازی را رواج داده است؛

"کمیته اضطراری در حمایت از زلزله زدگان بم" توسط شخصیت های شناخته شده مدافع حقوق انسانی در ایران و بمنظور ممانعت از فراموش شدن مردم بم تشکیل شده است. اعضای کمیته عبارتند از: مریم نمازی (هماهنگ کننده)، مینا احدی، اسد گلچینی، بهرام مدرسی، اسماعیل مولودی، مهرنوش موسوی، کاظم نیکخواه، فریبرز پویا، ناهید رضایی و هلاله طاهری.

از طریق زیر می توانید با کمیته تماس بگیرید:

BM Box 8927
London WC1N 3XX
England
Tel: +44 (0) 771-9166-731
Fax: +44 (0) 870-1351-338
E-mail: m.namazie@ukonline.co.uk
bamecc@ukonline.co.uk
www.bamquake.org

به زلزله زدگان بم یاری برسانید!

معلمان در تدارک اعتصابی دیگر از مبارزات معلمان حمایت و پشتیبانی کنیم

شهلا دانشفر

بر پایی اعتصابی سراسری در روزهای ۲۷، ۲۸ و ۲۹ دیماه موضوع داغی است که اکنون در میان معلمان و در همه مدارس جاریست و معلمان بر روی پیگیری خواستههایشان تاکید دارند. در این رابطه شورای هماهنگی تشکلهای صنفی معلمان نیز اطلاعیه ای داده و در آن از تمامی معلمان ابتدایی و راهنمایی و دبیرستانها خواسته است که در این تاریخ ضمن حضور در مدارس از حضور در کلاسهای درس خودداری کنند. باید با تمام قوا از مبارزات معلمان حمایت و پشتیبانی کنیم. مساله اینست که پس از سه سال اعتراض و مبارزه، پس از سه سال پافشاری بر روی خواستهها هنوز به هیچ یک از مطالبات معلمان پاسخی داده نشده است. سال جاری تحصیلی را معلمان با مبارزه برای پیگیری خواستههایشان شروع کردند. اعتصاب سراسری آنان در ۱۳ مهرماه روز جهانی معلم، ادامه این حرکت اعتراضی در ۱۷ آبانماه و ادامه این اعتراضات و تاکید بر روی خواستهها و مطالبات از سوی معلمان تاکنون همگی با بی تفاوتی و شانه بالا انداختن رژیم روبرو شده است. اکنون نزدیک به یک ماه است که بحث بر سر چگونگی ادامه مبارزه و پیگیری خواستهها و مطالبات در میان معلمان بالا گرفته و به اشکال مختلف برای عملی کردن آن تلاش کرده اند. از جمله در همین یکماه در شهر میاندوآب معلمان تجمعاتی اعتراضی بر پا کردند و بر خواستههای خود تاکید و پافشاری کردند. همچنین معلمان در تهران تلاش کردند که دست به تجمعات اعتراضی بزنند و در مقابل مجلس

اسلامی تجمع کنند که با تهدید و مخالف رژیم مواجه شدند. اکنون معلمان به این تصمیم رسیده اند که در روزهای ۲۷، ۲۸ و ۲۹ دیماه دست به اعتصابی سراسری بزنند. باید به تدارک این حرکت اعتراضی و برپایی اعتصابی قدرتمند و سراسری برویم.

خواستههای معلمان خواست همه مردم شریف و آزاده، خواست میلیونها دانش آموز و خانواده های آنهاست. معلمان خواهان آزادی عقیده و بیان، داشتن حق تشکل و حق اعتصاب، افزایش فوری حقوقهایشان، حق داشتن مسکن و ایجاد تسهیلات لازم برای تامین مسکن، داشتن بیمه درمانی مناسب و رایگان هستند. معلمان خواهان رفع تبعیض و رفع خفقان و سانسور در مدارس هستند. معلمان از جدا سازی معلمان زن و مرد و وجود آپارتاید جنسی در مدارس خشمگینند و اعمال این قوانین ارتجاعی در مدارس را تحقیر آشکار به حرمت و شخصیت خود میدانند. باید از خواستهها و مبارزات معلمان حمایت کنیم.

اعتراضات پی در پی معلمان برای تحقق خواستههایشان در سه ساله اخیر تا همین جا توجه وسیعی در سطح جامعه بوجود آورده و جایگاه مهمی به اعتراضات آنها داده است. اشکال اعتراضی آنان، خواستهها و مطالباتی که طرح کرده اند و موقعیت اجتماعی معلمان همگی زمینه همبستگی و حمایت وسیعی از مبارزات آنان را بوجود آورده است. طی این سه سال، اعتراضات معلمان در تغییر توازن قوای سیاسی جامعه نقش داشته و بر روی مبارزات بخش های دیگر جامعه تاثیر گذاشته است. مجموعه



این فاکتورها شرایط مساعدی برای ادامه اعتراض معلمان و جلب همبستگی بخش های مختلف جامعه از خواستهها و مبارزات آنها بوجود آورده است. بویژه در شرایط سیاسی امروز بیشترین زمینه همبستگی مبارزات در میان اعتراضات بخش های مختلف جامعه وجود دارد. خواستههای مشترکی اعتراضات بخش های مختلف جامعه را بهم پیوند میدهد. نمونه بارز این همبستگی در روز ۱۶ آذر و با بلند کردن پرچم آزادی و برابری و حمایت و پشتیبانی از مبارزات کارگران از سوی دانشجویان به نمایش گذاشته شد. باید برای جلب وسیعترین پشتیبانی از مبارزات معلمان از سوی بخش های مختلف جامعه تلاش کنیم. دانش آموزان و خانواده هایشان، دانشجویان و تمامی بخش های جامعه نقش تعیین کننده ای در حمایت و پشتیبانی از مبارزات معلمان دارند، باید آنها را به حمایت وسیع از اعتصاب سراسری معلمان و مبارزاتشان فرا بخوانیم. امروز بیش از هر وقت توازن قوا به نفع اعتراضات ماست. باید فرصت را دریافت و به تدارک اعتصابی هر چه قدرتمند تر شتافت. *

این قتلگاه است یا کارخانه؟

کارگر دیگری در ایران خودرو جان باخت

کارگری را به این قتلگاه کشاند تا با تحقیقات دقیقتر و علنی روشن شود که علت مرگ کارگران چیست و بعلاوه عوارض این شرایط کار بر سایر کارگران چه بوده است. سایر کارخانه های ایران نیز باید مورد بازدید بازرسان بین المللی قرار گیرند.

حزب کمونیست کارگری ایران جان باختن امید اولادی را به همه بستگان و همکاران او صمیمانه تسلیت میگوید. ما همه کارگران را به اعتراض گسترده به مرگ امید اولادی و پیمان رضی لو فرا میخوانیم. مجامع عمومی کارگران باید موضوع مرگ این دو کارگر را در دستور بگذارند و در اعتراض به این قتل ها و حمایت از کارگران ایران خودرو قطعنامه بدهند. باید خواستار این شد که مرگ این دو کارگر را يك کمسیون ویژه مستقل بین المللی بررسی و پیگیری کند و تمام حقایق مربوط به آنرا منتشر نماید. ما از همه مجامع بین المللی و سازمانها و نهادهای دفاع از حقوق کارگران و حقوق مدنی و همه سازمانهای انسان دوست میخواهیم که در موضوع مرگ این دو کارگر جوان دخالت کنند و با زیر فشار گذاشتن جمهوری اسلامی به پیگیری قتل این دو کارگر کمک کنند. کارگران ایران خودرو به کمک همه سازمانهای کارگری و انسان دوست در جهان نیاز دارند. خانواده و بستگان امید اولادی را به همراه بستگان پیمان رضی لو باید مورد محبت و پشتیبانی بی مضایقه قرار داد و در این لحظات حساس در کنار آنها بود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ دیماه ۱۳۸۲

۷ ژانویه ۲۰۰۴

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری

را بخوانید!

سایت حزب کمونیست کارگری ایران

www.wpiran.org